

ایران: هزاران نفر تحت بازداشت خودسرانه و در معرض خطر شکنجه قرار دارند

- هزاران نفر دستگیر شده‌اند، از جمله نوجوانانی که فقط ۱۵ سال سن دارند
- بازداشت‌شدگان در معرض خطر ناپدید شدن قهری و شکنجه قرار دارند
- بنا به منابع موثق، دست کم ۳۰۴ نفر از معترضان کشته شده‌اند

سازمان عفو بین‌الملل امروز با انتشار یک بیانیه اعلام کرد که به دنبال وقوع اعتراضات گسترده در ۲۴ آبان در سراسر ایران، مقام‌ها و مسئولان این کشور عملیات سرکوب بیرحمانه‌ای را به اجرا گذاشته و هزاران نفر از معترضان و همچنین شماری از روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر و دانشجویان را دستگیر کرده‌اند تا مانع از سخن گفتن آنان درباره‌ی سرکوب‌های در جریان در کشور شوند.

در مصاحبه‌هایی که سازمان عفو بین‌الملل با ده‌ها نفر از شهروندان داخل ایران انجام داده، این افراد توضیح داده‌اند که چگونه مقام‌ها و مسئولان کشور، در روزها و هفته‌های اعتراضات و پس از آن، ارتباط بازداشت‌شدگان با دنیای خارج را به طور کامل قطع کرده و آنان را مورد ناپدید شدن قهری، شکنجه و سایر رفتاری‌های بیرحمانه، غیر انسانی و ترذیلی قرار داده‌اند.

بنا به اطلاعات موثقی که این سازمان گردآوری کرده، در فاصله‌ی ۲۴ تا ۲۷ آبان و در جریان اقدامات مسئولان ایران برای سرکوب اعتراضات با توسل به قوه‌ی قهریه به شیوه‌ی مهلک، دست کم ۳۰۴ نفر کشته شده و هزاران نفر مجروح شده‌اند. مسئولان ایرانی از اعلام شمار کشته‌شدگان سر باز زده‌اند.

فیلیپ لوتر، مدیر بخش پژوهش‌ها و امور حقوقی خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل، می‌گوید: «اظهارات تکان‌دهنده‌ی شاهدان عینی گویای آن است که مقام‌ها و مسئولان ایران، تقریباً بلافاصله پس از کشتار صدها نفر از شرکت‌کنندگان در اعتراضات در سراسر کشور، عملیات سرکوب دامنه‌داری را به منظور ارباب و بازداشتن افراد از سخن گفتن درباره‌ی آن‌چه اتفاق افتاده به اجرا گذاشته‌اند.»

تصاویر ویدئویی که مورد تأیید «بخش تأیید محتوای دیجیتالی» سازمان عفو بین‌الملل قرار گرفته و اظهارات شاهدان هم بر آن‌ها صحنه می‌گذارد، نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی ایران به سوی معترضان غیرمسلحی که هیچ‌گونه تهدیدی متوجه آنان نکرده بودند شلیک کرده‌اند. اکثر تلفات جانی که این سازمان ثبت کرده بر اثر اصابت گلوله به سر، قلب، گردن و سایر اندام‌های حیاتی اتفاق افتاده و این نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی افراد را به قصد کشتن هدف قرار می‌دادند.

به گزارش سازمان ملل، این سازمان اطلاعاتی در اختیار دارد که نشان می‌دهد دست کم ۱۲ نوجوان در میان کشته‌شدگان بوده‌اند. بنا به تحقیقات عفو بین‌الملل، مشخصات دو نفر از آنان به این شرح است: محمد داستانخواه، ۱۵ ساله، که در مسیر بازگشت از مدرسه به خانه، در حالی که از کنار جمعیت معترض در شیراز رد می‌شد، بر اثر اصابت گلوله به قلب‌اش کشته شد و علیرضا نوری، ۱۷ ساله، که در شهریار در استان تهران کشته شده است.

فیلیپ لوتر می‌گوید: «مقام‌ها و مسئولان ایرانی، به جای ادامه دادن به عملیات سرکوب وحشیانه، باید همه‌ی کسانی را که خودسرانه بازداشت شده‌اند بی‌درنگ و بدون قیدوشرط آزاد کنند.»

به گفته‌ی او، «جامعه‌ی جهانی باید دست به اقدامات فوری بزند، از جمله اینکه یک نشست ویژه در شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص وضعیت ایران برگزار کند و رأی به تأسیس یک مکانیسم تحقیقاتی بین‌المللی دهد تا درباره موارد کشتار غیرقانونی معترضان و موج هولناک دستگیری‌ها، ناپدیدسازی‌های قهری و شکنجه‌ی بازداشت‌شدگان تحقیقات صورت گیرد و مقامات مسئول پاسخگو نگه داشته شوند.»

موج دستگیری‌های گسترده

در ۲۶ آبان، روز سوم اعتراضات، رسانه‌های حکومتی از دستگیری بیش از هزار نفر از معترضان خبر دادند. ۵ آذر، حسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، شمار دستگیرشدگان را ۷ هزار نفر اعلام کرد. مقام‌ها و مسئولان هنوز رسماً آماری در این زمینه منتشر نکرده‌اند.

چندین منبع مستقلاً به عفو بین‌الملل اعلام کرده‌اند که نیروهای امنیتی همچنان در حال اقدامات ضربتی برای دستگیر کردن افراد در منازل و محل کارشان در نقاط مختلف کشور هستند.

نوجوانانی که فقط ۱۵ سال سن دارند به همراه بزرگسالان به زندان افتاده‌اند، از جمله در زندان فشافویه در استان تهران که به دلیل اعمال شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها سوءشهرت دارد. پادگان‌های نظامی و مدارس از دیگر مکان‌هایی هستند که بازداشت‌شدگان را در آن‌جا نگهداری می‌کنند.

مقام‌های مختلف حکومتی، از جمله رهبر کشور و رئیس قوه‌ی قضائیه، معترضان را «شُرور» و «آشوبگر» خوانده و آنان را همدست قدرت‌های بیگانه معرفی کرده‌اند. رسانه‌های حکومتی خواهان حکم اعدام برای «رهبران» اعتراضات شده‌اند.

روزنامه‌نگاران، دانشجویان و مدافعان حقوق بشر، از جمله فعالان مدافع حقوق اقلیت‌ها و حقوق کارگران، و شهروندان متعلق به اقلیت‌های اتیکتی، نیز خودسرانه دستگیر و حبس شده‌اند.

محمد مسعود، روزنامه‌نگار، در تاریخ ۲ آذر، به دنبال ارسال توثیقی درباره‌ی قطع تقریباً کامل اینترنت در کشور به وسیله‌ی مقام‌ها و مسئولان در فاصله‌ی ۲۵ آبان تا ۳ آذر، بازداشت شد. او چند روز بعد به قید وسیله آزاد شد.

سها مرتضایی، کنشگر، از جمله‌ی ده‌ها دانشجویی بود که ۲۷ آبان در جریان یک تجمع اعتراضی در دانشگاه تهران دستگیر شد. او از آن زمان، بدون امکان دسترسی به وکیل یا خانواده‌ی خود، در بازداشت به سر می‌برد. مسئولان حراست دانشگاه سها مرتضایی را به شکنجه با شوک الکتریکی و حبس در آسایشگاه روانی تهدید کرده‌اند.

اکبر مهاجری، ایوب شیری، داوود شیری، بابک حسینی مقدم، محمد محمودی، شاهین برزگر و یاشار پیری از جمله فعالان حقوق اقلیت‌ها هستند که همگی در محل کارشان در تبریز دستگیر شده‌اند.

بنا به گزارش‌ها، در حال حاضر شمار زندانیان در تعدادی از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها به شدت و بسیار بیشتر از حد ظرفیت آن‌ها افزایش یافته است. ۴ آذر، رئیس شورای شهر ری در مورد گزارش‌های منتشرشده درباره‌ی زندان فشافویه ابراز نگرانی کرد؛ گزارش‌ها حاکی از آن بود که شمار زندانیان در فشافویه به شدت و بسیار بیش از حد ظرفیت افزایش یافته، و این زندان ظرفیت و امکانات نگهداری از شمار گسترده‌ی بازداشت‌شدگان را ندارد.

دست کم دو نفر از کسانی که در اعتراضات شرکت داشته‌اند به عفو بین‌الملل گفته‌اند که به خاطر حفظ جان‌شان مخفی شده‌اند؛ به گفته‌ی آن‌ها، بسیاری افراد دیگر نیز در وضعیت مشابهی به سر می‌برند.

یکی از آن دو می‌گوید: «از وقتی نیروهای امنیتی مرا در اعتراضات دیدند و از من فیلم گرفتند مخفی شده‌ام. داشتند با باتوم مرا می‌زدند که توانستم فرار کنم. الان در حالی مخفی شده‌ام که یک پایم به شدت مجروح شده است. احساس امنیت نمی‌کنم چون برای دستگیری من به خانه‌ام رفته بودند. وضعیت من در حال حاضر فرقی با حبس بودن در زندان ندارد.»

در حالی که برخی از دستگیرشدگان آزاد شده‌اند، بسیاری از آنان همچنان بدون ارتباط با دنیای خارج و بدون امکان تماس با خانواده‌ها و وکلای خود، در بازداشت به سر می‌برند. شماری از خانواده‌های افراد بازداشت‌شده به عفو بین‌الملل گفته‌اند بستگان‌شان به مراقبت‌های پزشکی نیاز دارند و با توجه به سابقه‌ی هولناک مقام‌ها و مسئولان در [محروم کردن زندانیان از خدمات پزشکی](#)، عمیقاً نگران عزیزان‌شان هستند.

شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی

روایت‌های شاهدان عینی و شواهد ویدئویی از آن حکایت دارد که برخی از بازداشت‌شدگان، از جمله با ضرب‌وشتم و شلاق، مورد شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و ترذیلی قرار گرفته‌اند. به گفته‌ی یکی از اعضای خانواده‌ی فردی که بازداشت شده بوده و بعداً به قید وثیقه آزاد شده، سر و صورت این زندانی پر از کبودی و جراحت بوده، و چنان از اتفاقاتی که از سر گذرانده آسیب دیده است که حاضر به بیرون رفتن از خانه نیست.

در یکی از ویدیوهای منتشر شده در فضای مجازی که بخش «تأیید محتوای دیجیتالی» سازمان عفو بین‌الملل مورد تأیید قرار داده و موقعیت جغرافیایی آن را شناسایی کرده می‌توان دید که نیروهای امنیتی بازداشت‌شدگان دست‌بند زده را به محوطه‌ی پاسگاه پلیس مالی‌آباد در شیراز می‌برند و سپس آن‌ها را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و با مشت و لگد به آن‌ها حمله‌ور می‌شوند.

منابع موثق به عفو بین‌الملل اطلاع داده‌اند که صدها نفر از بازداشت‌شدگان، از جمله نوجوانان، با کامیون به زندان رجایی‌شهر کرج انتقال داده شده‌اند. به گفته‌ی این منابع، به بازداشت‌شدگان دست‌بند و چشم‌بند زده بودند، و نیروهای امنیتی این افراد را مرتباً و به طور روزانه با مشت و لگد و باتوم و شلاق مورد ضرب‌وشتم قرار داده‌اند.

قربانیان و شاهدان عینی همچنین به عفو بین‌الملل گفته‌اند که نیروهای امنیتی با یورش به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در نقاط مختلف کشور، معترضان مجروح‌شده را دستگیر کرده و به بازداشتگاه‌ها برده‌اند و به این ترتیب آن‌ها را از مراقبت‌های پزشکی‌ای محروم کرده‌اند که می‌تواند برای حفظ جان‌شان حیاتی باشد.

به گفته‌ی یکی از منابع، مأموران اطلاعاتی مدیران یک بیمارستان در استان خوزستان را وادار کرده‌اند که فهرستی از اسامی بیمارانی که اخیراً بستری شده‌اند را در اختیارشان بگذارند.

یک فرد دیگر توضیح داده است که به دلیل اصابت گلوله به شکم‌اش در بیمارستانی در استان البرز بستری بوده و به هنگام ترخیص از بیمارستان مأموران لباس‌شخصی او را بازداشت کرده‌اند. او پس از آزادی به عفو بین‌الملل گفت که افراد زیادی را در بازداشتگاه دیده است که «گلوله خورده بودند یا جراحات‌های دیگری داشتند».

فیلیپ لوتر می‌گوید: «مقام‌ها و مسئولان موظف‌اند از تمام بازداشت‌شدگان در مقابل شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها محافظت کنند. با توجه به رواج سازمان‌یافته‌ی شکنجه در ایران، ضرورت دارد که مقام‌ها فوراً دسترسی مستقیم کارشناسان و گزارشگران ویژه‌ی سازمان ملل به بازداشتگاه‌ها و زندان‌های ایران را فراهم کنند تا آن‌ها تحقیقات مستقل انجام دهند».

به گفته‌ی او، «بدون اعمال فوری فشارهای بین‌المللی، هزاران نفر در معرض خطر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها خواهد ماند».

ناپدیدسازی قهری و حبس بدون ارتباط با دنیای خارج

در دهه‌ها مورد گزارش‌هایی که در اختیار عفو بین‌الملل قرار گرفته اذعان شده است که بازداشت‌شدگان از زمان دستگیری‌شان ارتباط بسیار محدودی با خانواده‌های خود داشته‌اند یا اصلاً ارتباطی نداشته‌اند؛ برخی از بازداشت‌شدگان در وضعیتی ننگه‌داری می‌شوند که مطابق قوانین بین‌المللی، مصداق جرم «ناپدیدسازی قهری» است.

بستگان بازداشت‌شدگان به عفو بین‌الملل گفته‌اند که برای یافتن عزیزان‌شان که قهرماً ناپدید شده‌اند به پاسگاه‌های پلیس، دفترهای دادستانی، دادگاه‌های انقلاب، زندان‌ها و سایر بازداشتگاه‌ها مراجعه کرده‌اند، اما مقام‌ها و مسئولان از اطلاع‌رسانی به آن‌ها امتناع می‌کنند.

به گفته‌ی مادران گروهی از فعالان حقوق اقلیت‌ها که در جریان موج دستگیری‌ها در استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی بازداشت شده‌اند، مقام‌ها و مسئولان به آن‌ها گفته‌اند که قصد ندارند هیچ‌گونه اطلاعاتی در اختیارشان بگذارند. یکی از مقام‌های مسئول گفته است: «ما می‌توانیم هر کار که بخواهیم با بچه‌های شما بکنیم. می‌توانیم هر قدر که بخواهیم، حتی ۱۰ سال، آن‌ها را در حبس ننگه داریم ... اعدام‌شان کنیم و شما هم هیچ کاری نمی‌توانید بکنید».

بختیار رحیمی، فعال حقوق کارگران، از جمله کسانی است که قهرماً ناپدید شده است؛ او در تاریخ ۵ آذر در محل کارش در مریوان در استان کردستان دستگیر شده بود. از آن زمان تاکنون هیچ خبری در مورد سرنوشت یا محل ننگه‌داری او منتشر نشده است. این وضعیت به ویژه از آن رو نگران‌کننده‌تر است که بختیار رحیمی از عوارض کلیوی و قلبی رنج می‌برد و به مصرف روزانه‌ی دارو و مراقبت‌های پزشکی تخصصی نیاز دارد. فیلیپ لوتر می‌گوید: «جامعه‌ی جهانی در شرایطی که مقام‌ها و مسئولان ایران برای پیشبرد اهداف سرکوب‌گرایانه‌شان و خفه کردن صداهای معترض، در حال ارتکاب نقض گسترده‌ی حقوق بشر هستند، نباید ساکت و بی‌اعتنا بماند».